

بشد خواه در میان ارتداد و فرغ شود خواهی
خواه بخر از سر شده بفرزاده بی خواه رویت شد
لده شد خواه بی و بهر بی از بی احتمالات غلبت
تا بی سستی را از نیکه او را با بی بی موافقت فرغ
شده باشد و در میان رفیق باشد طاهر او چنان که است
و بعد از آن نیک و خوب صحت صحت صحت
من آه یو منا به بی نام کمال صحت ام لا و انما
عطف است بر آن نرواه متعلق است تا بعین اعتبار
اصح معنی به روی است و ضمیر بجای است با او
و این احوال بدل است از آن و صحت یا جایز است که
مرفوع خوانده شود بنا بر ضمیر و مستند او و خبر
تقدیر کلام ضمیم شود که همراهی تقوی و توان
منظوب شده بقدری از این معنی تقوی است
بر این کار از تقوی معنی بالینه و انفر و از آن ده ایست
خود را که با او در روی کمال است آنست و بر

مصالح

بصاحبان او و بی روان اینست که همه بر نیکی دارند
از خجالت و بیگانه و با کشته کننده از اطراف و سواست و صاحب
نکین و وقارند که سبزه و خشمنا صورت نمودند و صاحبان
جو و وسخا اند که با بدان و جوان در سبیل الله بخانه
اما کشت خدایات البان رخ ضیاء و اطراف البان و بس
بالفهم ما در بر احوال است از آن ما مصدق است که با خود را
در راه و این معنی است قبل از او مده مصدق است
بان مصدق از مده الی فرج عدما البان و ان طرف است
اصول کتب از آن است از فرج و غنایات جمع غنایات بهر
باز که بنظر نرسد و در بنظر غایب البان و شتر که کفایت خود
بدان است و مندم چون سر و شمشاد و بی کمال است
و انبیا علیهم السلام است اضافه علی بصیابانیت صبا
با و را گویند و بنام روز از جانب مغرب و زود و اطراف
عطف است بر بی نظار از آن طرف و در آن است
سعی است بر بی نظار از آن طرف و در آن است

Copyright © King Saud University